



## رفتار با کودکان

toloes@hotmail.com

فرزاد ادیبی کارشناس تعلیم و تربیت

**اول کودکان:** بنظر شما، مشکلات اجتماعی - اقتصادی مانند گرانی، فقر و بیکاری، اختلافات خانوادگی و مشکلات طلاق و جدایی، چه تاثیری بر رفتار پدر و مادر می گذارد؟ چه باید کرد که تاثیرات منفی این مشکلات بر زندگی و رشد سالم کودکان کاهش یابد؟

کلمه بسیار گویایی برای رساندن پیامش به خواندگانش استفاده کرده بود. ما پدران و مادران هم برای اینکه بتوانیم، مانند قطره ای از آب دریا نباشیم، باید سرنوشت خودمان را در دست بگیریم. نباید اجازه دهیم که فشار بیکاری، بی پولی، پناهنده گی و اختلافات خانوادگی به کودکانمان منتقل شود. و تنها راه این است که آگاهانه با زندگی خود برخورد کنیم. رفتار خود را با کودکانمان از ندانم کاری و روزمره گی درآوریم و آن را هدفمند کنیم. رفتار خودمان را با کودکانمان

### بخش پنجم

در چهار شماره اخیر اول کودکان سعی شد به سؤال فوق پرداخته شود و جوانب مختلف آن بررسی شود تا بتوانیم راه حلی دیگری غیرآنچه شرایط اجتماعی، اقتصادی، فقر و بیکاری و مشکلات دیگر زندگی به ما تحمیل می کند، به دست دهیم. و به این مهم رسیدیم که ما باید سرنوشت خودمان را در دست بگیریم تا چون قطره ای از آب دریا با موجی از این ور به آن ور پرتاب نشویم.

چند روز پیش در یک روزنامه سوئدی به مقاله ای برخوردیم که در تیتیش از کلمه "کوماندو" که در دنیای کامپیوتر به معنای فرمان است، استفاده شده بود. وقتی شما یک کوماندو می نویسید، یک عملیات مشخص را فرمان می دهید، مانند "کوماندو" کپی که کامپیوتر فرمان شما را مبنی بر کپی کردن، انجام می دهد. تیتیر مقاله که مخاطبش انسانهایی است که مانند آن قطره دریا هستند این بود، "کوماندوی زندگی را خودت در دست بگیر!". به نظرم نویسنده از

صفحه ۲

# ممنوعیت سببهای مذهبی در مدارس

بحث و بررسی در مورد مسائل کودکان، با مدارس مذهبی چگونه باید برخورد کرد؟

گزارشی از سمینار اول کودکان - واحد استهکلم

دوم سپتامبر ۲۰۰۴

صفحه ۴



## وضعیت کودکان پناهجو

یک بررسی کوتاه

من و والدینم همراه برادر کوچکم که در ترکیه متولد شده و حالا ۴ ساله است در شهر لاپیزیک زندگی میکنیم. ما حدودا یکسال است با فدراسیون تماس داریم و نشریه همبستگی بدستمان میرسد. یک رادیو بزبان فارسی در شهرمان داریم که اخبار و داستان به زبان فارسی برای ما شنوندگان فارسی زبان (که حدودا ۲۵۰ تا ۳۰۰ نفر هستیم) پخش میکند. من زیاد به آن گوش نمیکنم ولی والدینم با آن سرگرم هستند. صفحه ۲

اسم من امید است من در لاپیزیک زندگی میکنم ۱۴ ساله هستم و مدت ۲ سال و ۳ ماه است در آنجا با والدینم زندگی میکنیم. چرا اسم امید برای خودت انتخاب میکنی؟ اشکالی دارد؟ نه، فقط کنجکاو شدم. خوب، میدانی چرا؟ برای اینکه با هرکسی صحبت میکنم میگویند باید امید داشت و امیدوار بود. در نتیجه دوست دارم همیشه امید همراهم باشد تا ببینیم چه میشود.



اسماعیل مولودی

قسمت هشتم

گزارشی از دو کمپ پناهندگی برای نشان دادن واقعیت از زندگی کودکان پناهجویی که در این کمپها زندگی میکنند. اسامی آدمها در این نوشته واقعی نیست.

زندگی شاد، امن و خلاق حق مسلم کودکان است

ادامه

## ممنوعیت سمبلیهای مذهبی در مدارس

بودن حجاب بوده اند.  
۲. در دفاع از ممنوعیت سمبلیهای مذهبی در مدارس ۵۹۳ نفر خواستار ممنوعیت سمبلیهای مذهبی در مدارس شده اند و ۱۰۷ نفر مخالف ممنوعیت سمبلیهای مذهبی در مدارس بوده اند.

۳. در دفاع از ممنوعیت مدارس مذهبی برای کودکان زیر سن قانونی ۵۳۸ نفر موافق ممنوعیت مدارس مذهبی برای کودکان زیر سن قانونی و ۵۸ نفر مخالف ممنوعیت مدارس مذهبی برای کودکان زیر سن قانونی بوده اند.

بازرسی شود او مخالف ممنوعیت سمبلیهای مذهبی بود و حجاب را با هر نوع لباس دیگر مقایسه می کرد و نتیجه می گرفت که ممنوع کردن لباس به تخصصات میان گروههای مختلف مذهبی شدت می بخشد.

در آخر می خواهم نتیجه تحقیقات اینترنتی که تشکل اول کودکان روی سایت گذاشته بود را به اطلاع خوانندگان برسانم.

۱. در دفاع از ممنوعیت حجاب برای کودکان تا سن قانونی ۶۰۲ نفر موافق ممنوعیت حجاب شده اند و ۶۹ نفر مخالف ممنوع

ادامه

## رفتار با کودکان

دارد. ساده نیست اما راه حل دارد. من از روزی که بچه دار شده ام، بی غلو هر شب به رفتارم با فرزندانم فکر می کنم. عشق عمیقم را به آنان با عشق پدر و مادرم به خودم، مقایسه می کنم. موافقتها و مخالفتهایم را، در برابر خواستهای آنان، تحلیل و بررسی می کنم. هر شب از خودم می پرسم، کدام برخورد و رفتارم امروز اشتباه بود؟ چه کار کنم که وقت بیشتری برای فرزندانم داشته باشم؟ و این فکرها و سؤاها، همیشه به بهتر شدن رفتار من به آنها می انجامد. از اینکه حتی یک روز ابراز عشقم را به آنان، از آنها دریغ کرده ام، سخت احساس پشیمانی می کنم و سعی می کنم با عشق بیشتر و نشان دادن عملی و گفتاری این عشق به آنها جبران کنم. هر روز که می گذرد و آنها بزرگ می شوند نه تنها از عشق و محبت من به آنان کم نمی شود، بلکه تلاش می کنم هر چه بیشتر

تبادل نظر کنیم. شاید کسانی هستند که فکر می کنند که این موضوع فقط در حرف و تئوری ساده است، اما در عمل پیاده نمی شود. باور کنید که من خوب می دانم، بیکاری یعنی چه، بی پولی و دربدری یعنی چه، پناهنده گی و با بچه در کمپ زندگی کردن یعنی چه. من کاملاً به این امر واقفم که پیشبرد این مبارزه، یعنی گرفتن سرنوشت خودمان در دست خودمان، کار ساده ای نیست. برای کسی که دو تا هشت ساعت در روز کار می کند، برای کسی که فشار بیکاری مدام عذابش می دهد، برای کسی که خودش در برابر فشارهای اقتصادی و گرانی روزافزون، بی سلاح می بیند، مطمئناً ساده نیست و باید، تلاش کرد و سخت باید تلاش کرد. ساده نیست اما امکان

## ”اول کودکان” برگزار میکند سومین کنفرانس اول کودکان کودکان اول چرا و چگونه؟ کنفرانسی در مورد جهانشمول بودن حقوق کودک ۲۰ و ۲۱ نوامبر، استکهلم

اطلاعات بیشتر در مورد سومین کنفرانس اول کودکان در اطلاعیه های بعدی به اطلاع میرسد.  
لطفاً برای کسب اطلاعات و ثبت نام برای شرکت در این کنفرانس با آدرسهای زیر تماس بگیرید  
۴۴-۷۹۸ ۱۳۴ ۳۱۰۱  
۴۶-۰۸-۵۳۱۸۴۲۳۹  
۴۶-۷۶ ۲۳۴ ۴۲ ۸۲

parvaneh.ahmadi@comhem.se  
karimshamohammadi@yahoo.se  
avalkodakan@yahoo.co.uk  
www.childrenfirstinternational.org

تر و شایسته تر انسان، کودک، با هم به پیش برد. نباید خوشبختی کودکانمان را به فردا، حواله دهیم. همین امروز باید، نشست و رفتار خود را بررسی کرد. همین امروز باید تلاش کرد که رفتار بهتر، و انسانی تری با کودکان شود. من فکر می کنم در این پنج شماره اول کودکان، به اندازه کافی در باره سؤال بالا صحبت کردیم. در همین جا این مطلب را به پایان می بریم و در شماره بعد سعی می کنم که به سراغ کودکانی که مشکلات جسمی و روحی دارند، بروم و در مورد آنها و چگونگی رفتار با آنها برای شما عزیزان توضیحاتی بدهم. البته اگر سؤالی باشد، حتماً به آنها، خواهیم پرداخت.

به آنها محبت و عشق بیدریغ خودم را، هدیه کنم. پس می شود و می توان که سرنوشت خود را، آگاهانه در دست گرفت و اجازه نداد، اتفاقات روزگار بر سر ما و کودکانمان خراب شود. همانطور که در بخش اول جواب تاکید کردم، مبارزه ما برای بدست گرفتن سرنوشت خود، دو سر دارد. یکی مبارزه دسته جمعی، دست در دست همه پدران و مادران برای جامعه ای بهتر و سالمتر که در آن به کودک احترام گذاشته می شود و یکی تلاش روزمره برای ساختن محیطی امن و مطمئن برای کودکانمان در خانواده است. باید این دو شق مبارزه را برای دنیای امن

اول کودکان  
دوشنبه ها منتشر میشود

دست مذهب از زندگی کودکان کوتاه

سردبیر  
هفته نامه  
«اول کودکان»  
امیر توکلی

tel:  
00 358 405 821 776  
e.mail:  
tavakoli@hotmail.com

مسئول مرکز پخش:  
شهلا خباززاده

ava\_l\_kodakan1@yahoo.de  
Shahla\_xabazade@aol.com

رئیس  
کمپین بین المللی دفاع  
از حقوق کودکان

«اول کودکان»  
ثریا شهابی  
tel:  
00 44 7 981 343 101  
e.mail  
soraya\_shahabi@yahoo.com

Main Office:  
Chair Person,  
Soraya Shahabi  
CF, BM Box 1919  
London WC1N3XX  
England  
Tel: 44-798 134 3101  
Fax: 1-413-639-1602

تلویزیون اول کودکان  
در کانال جدید  
Satellite: Telstar 12

Center Frequency:  
12608 MHz

Symbol Rate: 19279

FEC: 2/3

Polarization:  
Horizontal

آدرس اول کودکان  
در سوئد  
www.barnenforst.com  
barnenforst@hotmail.com

## ادامه

## وضعیت کودکان پناهجو

از من پرسیدید حالم چطور است؟ خوبم و زبان آلمانی و انگلیسی خوب یاد گرفته ام. در شهر ما پناهجویانی از سومالی، اتیوپی و دیگر کشورهای آفریقایی هستند. همچنین عراقی، افغانی ... هستند. بعضی ها تنها هستند و تعدادی هم با والدینشان. چند تا دختر و پسر سومالیایی هستند که پدر و مادرشان همراهشان نیست با اقوامشان مهاجرت کرده اند. روزها کمی آلمانی میخوانم. البته مدرسه مرتبی در کار نیست ولی کسانی هستند از طرف کلیسا یا بعضی آدمهای خوب ما را کمک میکنند که آلمانی یاد بگیریم. البته حالا مدرسه ها هم تعطیل است. من برادرم در ترکیه در شهر نوشهیر دنیا آمده ما دو سال آنجا بودیم. از ترکیه خاطره خوبی ندارم. همه اش میترسیدیم که پلیس ما را به ایران برگرداند. پدرم کار میکرد ولی مادرم همیشه چهار چشمی مواظب ما بود زیرا میترسید ما را بدزدند. از ترکیه خوشم نیامد زیرا همیشه آدم هراس داشت، میترسید و پلیس هم خیلی با ما مهاجرین بد رفتاری میکرد. حالا وضعمان معلوم نیست و بلاتکلیف هستیم. در شهری که هستیم زیباست و یک شهر قدیمی است. من آنجا را دوست دارم اگر چه نمیدانم چند وقت دیگر باید ما منتظر باشیم ولی بهر حال میگویند از ایران بهتر است. مهاجرت خیلی سخت است. مثلا من مادرم حامله بود کسی نداشتیم بهش کمک کند. زنان همسایه مان که ترک بودند مهربان و خوب بودند. خیلی مادرم را کمک میکردند ولی هیچ فامیل و خویشی نداریم این خیلی سخت است. از اول آدم نمیداند چکار کند. کسی را ندارد باهاش بازی کند و یا نمیتواند چون زبان همدیگر را نمیفهمیدیم و یا والدین مانع میشوند و میگویند

نباید با غریبه زیاد قاطی شد چون ما آنها را نمی شناسیم. آدم در حال بلاتکلیفی اصلا حالش خوب نیست ولی بهر حال باید زندگی کرد. وسایل بازی و سرگرمی ما فقط پیش هم بودن است. خیلی جاهاست که ما نمیتوانیم برویم بخاطر اینکه امکان نداریم و در ضمن همیشه آدم در حال انتظار و دلهره بسر میبرد. گاه گاهی با والدینم سر بعضی مسائل هم دعوا میکنیم ولی بهر حال اینجور است.

\*\*\* \*\*

بهباد هستم و در کمپ گیمو زندگی میکنم ۱۶ ساله هستم و دوست دارم مهندس کامپیوتر شوم. حالا کلاس نهم میخوانم و امیدوارم که تا سال آینده اقامتمان را بگیریم وگرنه نمیتوانم دبیرستان را ادامه دهم و خیلی عقب می افتم. من خیلی به نقاشی علاقه دارم ولی امکانش نیست به کلاس بروم همینجوری خودم مشغول هستم. البته دوستان سوندی دارم که از امکانات آنها استفاده میکنم و یا از کتابخانه کمپ نیز میشود استفاده کرد. اینجا امکانات خوب هست ولی تا زمانی که اقامت نداشته باشی همه چیز را نمیتوانی برنامه ریزی کنی. کلا مهاجرت انسانها را خیلی اذیت میکند ولی بهر رو اینجا از ایران بهتر است. من حال تقریباً دو سال است اینجا هستم. مدتی اعصابم خیلی ناراحت بود و هی غصه میخوردم ولی حالا عادت کردم. اصلا بعضی از فامیلهایم را فراموش کردم. مثلا برای پسر عمه ام خیلی ناراحت هستم چون با هم همبازی بودیم. اصلا با هم بزرگ شدیم. ما مجبور بودیم که از ایران فرار کنیم. من بدترین خاطره را از این مهاجرت دارم. تازه آمده بودیم کمپ که یک آقای ایرانی همسرش را با چاقو به قتل رساند. ابتدا خیلی ترسیده بودم. حتی بعضی وقتها فکر میکردم نباید بیرون رفت و تو خانه گوشه گیر شده بودم. مادرم خیلی بهم کمک کرد.

البته برایم قابل قبول نبود که کسی همسرش را بکشد آنها با آن وضعیت. دو تا بچه مادر از دست رفته، پدر بزدان افتاده. همه اینها داشت دیوانه ام میکرد. حتی همه آنهايي که در کمپ بودند هم میترسیدند. عربها ایرانی ها کردها همه و همه در از این جریان شوکه شده بودند. این خیلی اذیتم کرد.

پرسیدی نظرم در مورد مهاجرت چیست. نمیدانم چه جوابی بدهم. چون این مسئله ساده نیست. آنچه که من از والدینم شنیدم ما مجبور بودیم که مهاجرت کنیم. والدینم نمیتوانستند جوابگوی مشکلات باشند و ضعمان خوب نبود. خانه ای داشتیم فروختیم و با قاچاقچی به اینجا آمديم. من فکر میکنم در مهاجرت آدم خیلی چیزها یاد میگیرد که در مملکت خود یاد نمیگیرد. اولاً اینجا خیلی بهتر از ایران است. امکان تحصیل و آسایش هست. من سوند را دوست دارم. ما دوستهای خوب سوندی داریم که بهمان حتی از نظر مالی هم کمک میکنند. که این خیلی زندگی را برای ما راحت میکند. شما ایران نبودى آدم به آدم رحم نمیکند. همه چیز پول و دیگر هیچ. حتی اگر قتل هم بکنی با پول میشه از دست قانون خلاص شد. مسئله امنیت است که آدم در ایران ندارد ولی اینجا کسی کار به کارت ندارد. من خیلی خوشحالم که از ایران آمديم بیرون. اینجا امکانات و رفاه هست. همین پولی که بما میدهند میشود راحت باهاش زندگی کرد. مسئله ای که مهم است باید آدم در مهاجرت خود را برای هر چیزی آماده کند. اما اگر والدین خوب همراهت باشد آدم راحت تر است. من دوستهای خوبی دارم هم سوندی و هم از ملیتهای دیگر. اصلا آدم

صفحه ۴

## از میان نامه های رسیده

## سؤال از ثریا شهابی

اگر تنبیه بد است پس به کودک چگونه حد و مرز خوب و بد را میتوان یاد داد؟ خانم شهابی شما در برنامه های تلویزیونی اول کودکان از این صحبت میکنید که تنبیه کودک باید ممنوع شود. و حتی پرخاش و پشت دست زدن را هم خشونت مینامید. سؤال من این است که اگر والدین اجازه نداشته باشند بچه هایشان را تنبیه کنند، چگونه میتوانند جایی که لازم است کودک را از خطر حفظ کنند و خوب و بد و مرز آن را به کودک یاد بدهند

**ثریا شهابی:** دوست عزیز برای پاسخ به این سؤال باید ابتدا با این حقیقت کنار آمد که تنبیه بدنی و روانی، آزار و شکنجه است. نه راه تربیت. مستقل از اینکه تربیت را چه بنامیم. اگر شما میپذیرید که تنبیه بدنی و روانی عملی انسانی نیست، پس مستقل از اینکه چرا و در چه شرایطی میتوان از آن استفاده کرد، منتفی است. اگر عملی درست نیست و انسانی نیست و شکنجه است، بی تردید باید ممنوع شود. اگر بر این حکم توافق داشته باشید، آنگاه میتوان نشست و در مورد راههایی که بزرگسالان میتوانند به اتکا آنها رابطه خودشان را با کودکان، که درست به اندازه آنها حق دارند، تنظیم کنند صحبت کرد.

تنبیه باید ممنوع باشد یک چیز است، با کودکان باید چگونه رفتار کرد و چگونه آنها را از خطر محفوظ داشت و درستی و نادرستی عملی را آموخت، مسئله دیگری است. اما در مورد رفتار با کودکان، نقطه آغاز باید این باشد که با کودکان یا احترام رفتار کرد. مطلقاً آنها را به خاطر کوچکی شان، از هیچ حقی



که بزرگسالان دارند محروم نکرد. برعکس باید بیشترین انعطاف را در برخورد به کودکان و پاسخ گویی به نیازهایشان داشت به این دلیل که آنها قدرت دفاع از خود را ندارند و در عین حال زندگی و امنیت و آرامش شان بسته به بزرگسالان است و از نظر جسمی و تجربه و پیچیدگی ذهنی بزرگسالان همیشه در موقعیت بسیار قدرتمندتری از کودک قرار دارند. این واقعیات همیشه خطر سواستفاده بزرگسالان را بوجود میآورد. که باید به شدت و چهارچشمی مراقب آن بود.

با کودکان باید بر مبنای انسانی رفتار کرد و آموزش آنها را بر مبنای تشویق و نه تنبیه، مثبت و لذت بخش استوار کرد. در این زمینه کتب زیادی وجود دارد که میتوان جوانب مختلف چنین رفتاری را آموخت. آموزش باید نه بر مبنای ترس و اجبار که بر اساس علاقه و اشتیاق و تشویق صورت گیرد. امروزه این روشی است که در مقیاس وسیع در برخی جوامع پیشرفته تر، مثل کشورهای اسکاندينايی در مورد کودکان بکار میرود. ابتدا باید پذیرفت که انسانهای کوچکی که زندگی شان به ما گره خورده است، شایسته بیشترین احترام، انعطاف، آموزش، شادی و زندگی اند. راههای غیر انسانی مثل کتک و تنبیه را باید ممنوع کرد و راههای انسانی را گسترش داد.

در این مورد در شماره های بعد بیشتر صحبت خواهیم کرد.

مسکن، تغذیه، بهداشت و رفاه برای همه کودکان



# ممنوعیت سمبهای مذهبی در مدارس

## بحث و بررسی در مورد مسائل کودکان، با مدارس مذهبی چگونه باید برخورد کرد؟



کریم شاه محمدی

تشکل اول کودکان واحد سوئد روز پنجشنبه دوم سپتامبر ۲۰۰۴ میزگردی را در استکهلم تحت عنوان «با مدارس مذهبی چگونه باید برخورد کرد؟ بحث و بررسی در مورد مسائل کودکان، مدارس و مذهب» ترتیب داد.

سوالاتی که شرکت کنندگان در پانل به آنها پرداختند شرح زیر بود:

**چگونه میتوان از حق انتخاب کودک حرف زد وقتی که او بنا به تعریف بلوغ لازم برای انتخابهای پیچیده را ندارد؟**

**عادت و سن مذهبی امر چه کسی است؟ والدین یا کودکان؟**

**مدرسه محلی برای تحصیل علم است یا نمایشگاهی برای مذاهب مختلف؟**

**«آزادی مذهب» به معنای آزاد بودن مذهب است؟ موضع مدارس مذهبی در قبال برابری و دموکراسی چیست؟**

در این میزگرد تعدادی از نمایندگان پارلمان سوئد و اعضا و فعالین اول کودکان و همچنین فعالین دفاع از حقوق کودکان، زنان و پناهندگان به عنوان سخنران شرکت داشتند.

آنالی لیلی هوک نماینده پارلمان از حزب محافظه کار، از یک استولتر نماینده پارلمان از

حزب دمکرات مسیحی، اسماعیل مولودی دبیر فدراسیون پناهندگان ایرانی واحد سوئد، هلاله طاهری فعال دفاع از حقوق کودکان و زنان، اینگر استارک نماینده شهر استکهلم از حزب چپ، مارگاریتا ایسرایلسون نماینده پارلمان از حزب سوسیال دمکرات، سلیمان قاسمیانی دبیر تشکل اول کودکان در سوئد، اولف نیلسون از حزب لیبرال مردم و افسانه علی نیا فعال دفاع از حقوق کودکان.

سمینار با خوش آمدگویی نماینده سازمان نجات کودک و سخنرانی افتتاحیه کریم شاه محمدی و افسانه علی نیا به عنوان رئیس جلسه شروع شد. در این میزگرد همه شرکت کنندگان از برگزاری چنین مناظره ای اظهار خوشنودی کردند و بر ادامه دادن این بحثها تاکید نمودند. تعدادی از شرکت کنندگان اعلام کردند که در کنفرانس نوامبر اول کودکان شرکت خواهند کرد. در این میزگرد هشت نفر شرکت داشتند که نقطه نظرات آنها را در سه سطح میتوان ارزیابی کرد.

از یک طرف آنالیلیه هوک نماینده حزب محافظه کار و اریک سلوتتر نماینده حزب مسیحی می باشد که به این صورت نگرش خود را تئوریزه کردند که گویا مذهب نیاز انسان است و بنابراین ممنوع

کردن سمبهای مذهبی مجاز نیست و به تخاصصات میان فرهنگهای مختلف دامن می زند آنها حجاب را لباس فرص می گرفتند و در نتیجه ممنوع کردن آنها نادرست می دانستند و همچنین در دفاع از حقوق کودکان در استدلالهایشان از فرقی که میان کودک و بزرگسال وجود دارد طفره می رفتند و وانگهی ممنوعیت سمبهای مذهبی را حمله به مذهب و در نتیجه به ممنوعیت مذهب به طور عموم وانمود می کردند.

از طرف دیگر که نقطه مقابل دو نفر اول بودند سلیمان قاسمیانی، هلاله طاهری. اسماعیل مولودی و اینگر ستارک که در دفاع از حقوق کودکان و ممنوعیت سمبهای مذهبی از زاویای متعددی به بحث و جدل پرداختند از جمله نقش مذهب و تاثیر مخرب و بازدارنده آن بر زندگی کودکان، مذهب به خودی خود دمکراتیک نیست بلکه مستبد و قوانینش را آسمانی و غیرقابل تغییر وانمود می کنند، مدارس مذهبی تحمیل قوانین مذهبی بر کودکان است، قوانین مذهبی ضد کودک و ضد زن است، مذهب و قوانین مذهبی علمی نیست و غیره و در اواخر جلسه در دفاع از حقوق کودکان بر ممنوع بودن سمبهای مذهبی در مدارس

و جدایی مذهب از آموزش و پرورش و دفاع از سکولارسم تاکید گذاشتن. دو نفر بعدی مارگاریتا ایسراییل سون و اولف نیلسون می باشد که آنها خط میانی را تعقیب می کردند مارگاریتا ایسراییل سون در ضمن قدرانی کردن از برگزارکنندگان این سمینار اظهار داشت که ممنوعیت سمبهای مذهبی مستلزم مناظرهای وسیعتری می باشد و سوئد در سکولاریزه کردن جامعه هنوز فاصله دارد و می گفت ممنوع کردن سمبهای مذهبی در سوئد هنوز زود است.

اولف نیلسون از جدای کلیسا

### ادامه

### وضعیت کودکان پناهجو

خیلی چیزها یاد میگیرد که در ایران امکان نداشت یاد بگیرید. اما مشکلی که من فکر میکنم جوانان را اذیت میکند افکار کهنه پدر و مادرهاست. البته این را قبول دارم همه پدر و مادرها اینجور نیستند ولی بهر حال ما جوانان خیلی اذیت می شویم. ما اینجا آمده ایم ولی اینها میخواهند با همان مقررات ایران یا کشور قدیمیشان زندگی کنند. همین است که اکثر جوانان مخالف فرهنگ و رفتار والدینشان هستند. دوست دارم شماها که روشن هستید این

از دولت شروع کرد و اظهار داشت این اقدام مهمی در سکولاریزه کردن جامعه سوئد به حساب می آید و در ادامه در مورد مدارس مذهبی چنین اظهار داشت که چنین فورمولبندی، مدارس مذهبی، که در آفیش آمده است نارست است چونکه در سوئد به این معنا مدارس مذهبی وجود ندارد بلکه مدارس آزاد تاسیس شده است و این مدیر مدرسی که طبق قوانین آموزش و پرورش پیش نمی روند و به پروپاگانده مذهبی تبدیلش می کنند باید از طرف اداره آموزش و پرورش کنترل و صفحه ۲

را به پدر و مادرها بگویید. باید آدم با زمان خود جلو برود والا مشکلات صد برابر میشود. باید با جوانان خوب تا کنند. یکی از مشکلات بزرگ ما در مهاجرت خود پدر و مادرها هستند و افکارشان که بدر امروز نمیخورد. اجازه نمیدهند که آزاد بود. همین خود باعث افسردگی ما جوانان مهاجر است. دخترانشان را محدود میکنند، پسرانشان را کنترل میکنند. البته میگویند برای این است که دچار مشکلات نشویم ولی باید به بچه ها اعتماد کنند. متأسفانه این بین والدین خیلی کم است که به کودکانشان اعتماد کنند. ادامه دارد

## ممنوعیت خشونت جسمی و روانی کودکان